

تحلیل بازنمایی امر قدسی در داستان‌های کودک و نوجوان رضوی بر اساس نظریه‌ی میرچا الیاده

احمد خلیلی*

0009-0007-4237-3576

احمد غنی‌پور ملک‌شاه**

(0000-0002-1864-9209)

چکیده

نظریه‌ی امر قدسی میرچا الیاده بر تمایز میان امر قدسی و امر عرفی استوار است و مفاهیمی چون تجلی قدسی، مکان قدسی و زمان قدسی را به‌منزله‌ی شیوه‌های ظهور امر متعالی در جهان انسانی تبیین می‌کند. بر پایه‌ی این چارچوب، پژوهش حاضر به بررسی چگونگی بازنمایی امر قدسی در ادبیات کودک با تأکید بر داستان‌های رضوی می‌پردازد و تحلیل می‌کند که متون کودکان چگونه می‌توانند تقدس متناسب به امام رضا(ع) را، با وجود ویژگی‌هایی چون سادگی زبانی، عینیت و تجربه‌پذیری، بازنمایی کنند، بی‌آنکه آن را به پندآموزی صرف یا تجربه‌ای کاملاً عرفی فروبکاهند. روش پژوهش توصیفی - تحلیلی و مبتنی بر تحلیل کیفی متون داستانی کودک درباره‌ی امام رضا(ع) است. یافته‌ها نشان می‌دهد که در این روایت‌ها، امر قدسی بیش از آنکه در قالب ساختارهای اسطوره‌ای و رمزگان پیچیده‌ی دینی بازنمایی شود، از طریق عاطفی‌سازی تجربه‌ی زیارت، برجسته‌سازی مکان قدسی و ساده‌سازی کرامت‌ها برای مخاطب کودک بازتولید می‌شود. در این متون، حرم رضوی به‌عنوان کانون تجلی امر قدسی، نقشی محوری در تبدیل امر متعالی به تجربه‌ای ملموس و قابل درک ایفا می‌کند. در نتیجه، ادبیات کودک رضوی را می‌توان عرصه‌ی کودکانه‌سازی امر قدسی دانست؛ فرایندی که در آن تقدس، از ساحت رازآلود متافیزیکی به سطحی عاطفی، زیسته و ادراک‌پذیر برای کودک منتقل می‌شود، بی‌آنکه به‌طور کامل از بار معنایی قدسی خود تهی شود.

واژه‌های کلیدی: ادبیات داستانی رضوی، کودک و نوجوان، امر قدسی، میرچا الیاده.

۱. مقدمه

ادبیات کودک یکی از حساس‌ترین عرصه‌های بازنمایی مفاهیم بنیادین فرهنگی و دینی است؛ عرصه‌ای که در آن، انتقال معنا ناگزیر از عبور از صافی سادگی زبانی، تخیل فعال و افق ادراکی کودک است. در این میان، بازنمایی شخصیت‌های قدسی در ادبیات کودک با چالشی دوگانه روبه‌روست: از یک سو ضرورت حفظ شأن و تعالی امر قدسی، و از سوی دیگر، ضرورت تبدیل آن به تجربه‌ای قابل فهم و زیسته برای مخاطب کودک. این تنش، به‌ویژه در روایت‌های مرتبط با امام رضا(ع)، که در فرهنگ ایرانی جایگاهی عاطفی و آیینی برجسته دارد، صورتی پیچیده‌تر می‌یابد؛ زیرا این شخصیت

* استادیار گروه آموزش زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران. Ahmad_khalili64@cfu.ac.ir (نویسنده‌ی مسئول)

** استاد گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه مازندران، بابل‌سر، ایران. a.ghanipour@umz.ac.ir

هم‌زمان واجد بعد تاریخی، الهیاتی و اسطوره‌ای است و حضور او در حافظه‌ی جمعی ایرانیان با تجربه‌ی زیارت و مکان قدسی گره خورده است.

پرسش بنیادین این پژوهش آن است که ادبیات کودک معاصر چگونه امر قدسی منتسب به امام را بازنمایی می‌کند؟ آیا این بازنمایی در قالب ساختارهای اسطوره‌ای و رازآلود صورت می‌گیرد، یا با نوعی عاطفی‌سازی و انسان‌وارسازی، به تجربه‌ای ملموس برای کودک تبدیل می‌شود؟ به بیان دیگر، سازوکارهای روایی و زبانی این متون برای انتقال تقدس چیست و چگونه میان «تعالی» و «فهم‌پذیری» تعادل برقرار می‌شود؟

برای پاسخ به این پرسش‌ها، چارچوب نظری پژوهش بر نظریه‌ی امر قدسی میرچا الیاده استوار است؛ اندیشمندی که در آثاری چون *مقدس و نامقدس* و *نمادپردازی*، امر قدسی و هنرها تمایز بنیادین میان امر قدسی و عرفی را تبیین کرده و مفاهیمی همچون تجلی قدسی، مکان و زمان قدسی را صورت‌بندی کرده است. از منظر الیاده، امر قدسی در قالب تجلی در جهان ظاهر می‌شود و مکان و زمان را از حالت عادی خارج می‌سازد. بر این اساس، می‌توان بررسی کرد که آیا در داستان‌های کودک و نوجوان رضوی، حرم، زیارت، کرامت و نشانه‌هایی چون نور و گنبد، کارکرد تجلی قدسی می‌یابند یا در فرآیند ساده‌سازی روایی، به عناصر صرفاً عاطفی و تربیتی تقلیل پیدا می‌کنند.

اهمیت این پژوهش در آن است که ادبیات کودک رضوی را نه صرفاً به‌مثابه‌ی متنی آموزشی یا تبلیغی، بلکه به‌عنوان عرصه‌ای برای بازتولید امر قدسی در افق ذهن کودک مطالعه می‌کند. این مطالعه می‌تواند نشان دهد که چگونه فرآیند کودکانه‌سازی امر قدسی در متون معاصر شکل می‌گیرد و چه نسبتی میان ساختارهای اسطوره‌ای، زبان عاطفی و تجربه‌ی زیارتی برقرار می‌شود. بدین ترتیب، مقاله می‌کوشد با رویکردی توصیفی - تحلیلی، سازوکارهای ادبی بازنمایی تقدس در روایت‌های رضوی کودک را شناسایی و تبیین کند و از خلال آن، افق تازه‌ای برای مطالعات نظری در ادبیات کودک بگشاید. در این پژوهش، برای تحلیل چگونگی بازنمایی امر قدسی در ادبیات داستانی رضوی کودک و نوجوان، نمونه‌هایی از آثار شاخص این حوزه بررسی شده است. بدین منظور هشت اثر داستانی منتشر شده در فاصله‌ی زمانی ۱۳۸۵ تا ۱۴۰۳ که در آن‌ها شخصیت امام رضا(ع) یا تجربه‌ی زیارت محور روایت قرار دارد، به‌عنوان نمونه‌ی پژوهش انتخاب شدند. این آثار از میان کتاب‌های منتشر شده در ج‌شنواره‌ی ادبیات کودک و نوجوان رضوی و نیز برخی آثار شناخته‌شده‌ی داستانی این حوزه گزینش شده‌اند تا تنوع روایی و مضمونی متون رضوی کودک در تحلیل حاضر نمایندگی شود.

۲. پیشینه پژوهش

مطالعات انجام شده پیرامون بازنمایی امر قدسی و شخصیت‌های مذهبی در ادبیات کودک و نوجوان به دو حوزه تقسیم می‌شوند: نخست، پژوهش‌های نظری و دینی درباره‌ی امر قدسی و شخصیت‌های مذهبی، و دوم، مطالعات مرتبط با ادبیات کودک با محوریت بازنمایی مفاهیم مذهبی و اخلاقی.

در حوزه‌ی نظری، آثار الیاده از مهم‌ترین منابع برای فهم و تحلیل امر قدسی به‌شمار می‌آیند. او در کتاب *نمادپردازی*، *امر قدسی و هنرها* (۱۳۹۴) به نسبت میان نماد، تخیل و تجربه قدسی می‌پردازد و توضیح می‌دهد که امر قدسی اغلب نه به‌صورت مستقیم، بلکه در قالب نشانه‌ها، تصاویر و ساختارهای نمادین آشکار می‌شود. این دیدگاه برای بررسی شیوه‌های غیرمستقیم بازنمایی تقدس در متون داستانی کودک اهمیت دارد. در کتاب *مقدس و نامقدس* (۱۳۹۹) با طرح تمایز بنیادی میان امر قدسی و امر عرفی، نشان می‌دهد که انسان دینی جهان را بر اساس تجربه‌های قدسی و معنادار ادراک می‌کند و مکان و زمان قدسی نقشی اساسی در ساخت معنای دینی دارند. الیاده همچنین در *سطوره و واقعیت* (۱۴۰۴) کارکرد اسطوره را در تبیین جهان، الگوهای رفتاری و بازگشت به زمان آغازین بررسی می‌کند و نشان می‌دهد که اسطوره چگونه می‌تواند واقعیت انسانی را معنادار سازد. این اثر امکان آن را فراهم می‌کند که پیوند میان روایت دینی و الگوهای قدسی بهتر فهمیده شود.

در حوزه‌ی ادبیات کودک و نوجوان، پژوهشگران ایرانی به بررسی بازنمایی شخصیت‌های مذهبی و آموزه‌های اخلاقی در ادبیات رضوی پرداخته‌اند. برای نمونه بهاری و همکاران (۱۳۹۲) در مقاله‌ی «تاثیر قصه‌های رضوی در آشنایی و ارتقای میزان علاقه‌مندی کودکان به سفر زیارتی و گردشگری مذهبی» به این نتیجه رسیده‌اند که قصه‌های رضوی بر آشنایی و ارتقای میزان علاقه‌مندی کودکان به سفرهای زیارتی تاثیر دارد.

فرخی (۱۴۰۲) در مقاله‌ای با عنوان «بازنمایی مفاهیم دینی در کتب داستانی مذهبی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان» به تحلیل شعر و قصه‌های کودکان با موضوع مذهبی و رضوی پرداخته‌اند و نشان داده‌اند که شخصیت‌های دینی غالباً در قالبی مهربان، صمیمی و قابل‌فهم بازنمایی می‌شوند.

فروزنده و توفیقی (۱۴۰۳) در مقاله‌ی «تحلیل ساختاری و محتوایی داستان‌های جشنواره ادبیات کودک و نوجوان رضوی» به این نتیجه رسیده‌اند که در این داستان‌ها توصیفات واقعی بر تخیل نویسندگان غلبه دارد. نیز در این داستان‌ها در نهایت، برتری با شخصیت‌های مثبت است و پایان به‌نسبت خوشی در انتظار قهرمانان و خوانندگان آن قرار دارد.

با وجود این پژوهش‌ها، مطالعات جامع و نظری درباره‌ی بازنمایی امر قدسی در ادبیات کودک با تمرکز بر روایت‌های رضوی و تحلیل روایی آن بر اساس نظریه‌ی الیاده هنوز انجام نگرفته است. از این رو، پژوهش حاضر با استفاده از چارچوب نظری امر قدسی، شخصیت، مکان، زمان و زبان در متون داستانی رضوی کودک و نوجوان را تحلیل می‌کند تا فرآیند کودکانه‌سازی امر قدسی را تبیین نماید.

۳. روش تحقیق

پژوهش حاضر از نوع مطالعات کیفی در حوزه‌ی نقد ادبی است و با رویکرد توصیفی - تحلیلی انجام شده است. هدف پژوهش، تحلیل نحوه‌ی بازنمایی امر قدسی در داستان‌های رضوی کودک و نوجوان بر اساس چارچوب نظری الیاده